

توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی

دکتر سروش فتحی^۱، مریم ثابتی^۲

چکیده:

شهروندی در نحوه ارتباط فرد با فرد و با جامعه معنا و مفهوم حقیقی خود را پیدا می‌کند به اعتقاد تی،اچ، مارشال اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است، ثانیاً کسانی که دارای این وضعیت هستند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند. باید دانست که شهروندی با احساس مسئولیت همراه است. فرهنگ شهروندی و عناصر کلیدی آن همواره در طول تاریخ از طرف متفکران و صاحب نظران علاقه‌مند به مسائل اجتماعی که تمدن و پیشرفت جوامع بشری را در استقرار فرهنگ شهروندی می‌دانند، از ادوار باستان تا کنون مورد بحث و چالش قرار گرفته است. هدف از این تحقیق بررسی فرهنگ شهروندی شهروندی شهروندان تهرانی است. در این مقاله فرهنگ شهروندی با ابعادی چون مشارکت جوی، مسئولیت پذیری و رعایت قوانین، سنجیده شده است. روش تحقیق اسنادی و پیمایشی است و نمونه مورد مطالعه ۱۵۰ نفر از شهروندان منطقه ۶ شهر تهران هستند که منطقه آماری به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردید و منطقه موردی ما منطقه ۶ تهران است. پرسشنامه‌ها به صورت نمونه‌گیری سهمیه‌ای بین شهروندان تقسیم شد و افراد از نظر برخی متغیرهای جمعیت شناختی با یکدیگر هم‌تا شدند. گردآوری داده‌ها بر اساس پرسشنامه‌های اطلاعات زمینه‌ای، آزمون‌های محقق ساخته انجام شده است و داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از شاخص آمار توصیفی و شاخص‌های مرکزی، تحلیل شدند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ شهروندی، شهروند، مشارکت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، رعایت قوانین.

sfathi@iau-garmsar.ac.ir

Maryam_sabeti2003@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۵

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (نویسنده مسئول)

۲- مدرس دانشگاه پیام نور کرج

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۰

مقدمه

فرهنگ درگسترده‌ترین معنایش، به فرآورده‌های تمدنی پیچیده و پیشرفته اشاره دارد که در چنین معنایی به چیزهایی مانند ادبیات، هنر و فلسفه دانش و فن شناسی باز می‌گردد و آشنایی و برخورداری از ظرافتهای زندگی و قدرشناسی و خوشنودی برگرفته از آنها را نمایان می‌کند.

شهروندی، اصلی است که بر روابط دولت و اعضای جامعه نظارت می‌کند؛ یعنی از یک سو به امتیازات دولت و حقوق افراد و از دیگر سو به مناسبات و فرایندهای تاریخی مربوط می‌شود. با اینکه شهروندی اعتبار فرد را در جامعه مشخص می‌کند، اما همزمان بر بسترهای اجتماعی که فرد در آنها رفتار می‌کند نیز تأکید دارد. به بیان دیگر، شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند.

شهروندی^۱ و رفتار شهروندان^۲ از متغیرها و عوامل بنیادین در گسترش سرمایه اجتماعی و به دنبال آن توسعه جوامع بشری و فرهنگ است که اهمیت یافتن آن در مطالعات اجتماعی و پرداختن به آن در این تحقیق برگرفته از آن است. مفهوم شهروند و شهروندی از مفاهیمی است که از دیرباز تا کنون مطرح بوده و سیر تکامل خود را در ادوار و جوامع مختلف طی نموده است. این مفهوم که حامل مدنیت و پیشرفت بوده است، از منظرهای گوناگون توسط مکاتب مختلف فلسفی، سیاسی و حقوقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در بررسی و مطالعه مفهوم شهروندی همواره یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی به چشم می‌خورد. «مفهوم شهروندی» علاوه بر زمینه‌های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسائل سستی نظری جامعه‌شناسی، مثل شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی، ناظر است. اخلاق مدنی، همچنین مستقیماً با تغییرات هویتی و تصویری که شهروندان نسبت به خود و دیگر شهروندان دارند، مرتبط است. شهروندی اجتماعی با اتکا

1 Citizenship

2 Citizens

به آن دسته از اصول اخلاقی شکوفا می‌گردد که مشوق احساس برادری، همנוعی^۱، تعهد و مسئولیت‌پذیری است (ذکائی، ۱۳۸۰: ۶۲). مفهوم شهروندی در بعد اجتماعی ایده‌ای است که در اروپای غربی مطرح شده و در قرن شانزدهم همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است. مفهوم شهروندی را می‌توان در مجموع جزء مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی در هم آمیخته است.

در دوران معاصر شهرنشینی و شهروندی از مظاهر تمدن به شمار می‌آید و بسیاری از دولت‌ها برای تثبیت موقعیت اجتماعی و سیاسی خود، شهرنشینی و شهروندی و مباحث مرتبط با آن و نیز جهت بخشیدن به موضوعهای مربوط به شهرنشینی و شهروندی را در اولویت قرار داده‌اند. امروزه مفهوم شهروندی با مفهوم آن در قرن ۱۹ و ۲۰ بسیار متفاوت است و حقوق شهروندی دارای حوزه‌های مختلفی است (جهانگیری، ۱۳۸۱: ۱۴). بحث از کمیت و کیفیت این حقوق و تکالیف، امروزه حجم وسیعی از گفتار و نوشتارها را به خود اختصاص داده و این مسأله را مطرح ساخته که تحقق شهروندی و به تبع آن توسعه، در گرو شناخت مؤثر آن است. بنابراین «کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند» (تقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۳).

کشور ایران بویژه پایتخت آن تهران یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان است که طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۰، (۴۵ سال) رشد جمعیتی چشمگیری داشته است که مشکلات بسیاری از قبیل آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی صوتی، حمل و نقل درون شهری و برون شهری، زاعه نشینی، بیکاری، فساد اخلاقی و ... به صورت مسائل حاد جلوه‌گری می‌کند که این ناشی از فقر فرهنگی و اجتماعی در زندگی شهری است. در حال حاضر باتوجه در آن به اینکه بیشترین جمعیت شهرنشین هستند، لزوم به کارگیری سازمانها و ارگانهای فرهنگی - اجتماعی احساس می‌شود. یکی از این نهادها که نقش محوری در توسعه ساختار سازمانی شهری برای بالابردن کیفیت زندگی، فراهم نمودن امکانات، ارائه خدمات و ... در

1 Fellow feeling

محیطهای شهری فراهم می نماید، شهرداری است. در تعریف شهرداری می توان گفت که نهادی است غیر دولتی که از محل عوارض و مالیات مردم اداره می شود و فعالیتهای خود را انجام می دهد.

همانطور که قبلاً نیز گفته شد با توجه به رشد چشمگیر جمعیت ایران و وجود میانگین جوان سنی در حال حاضر، باید به فرهنگ شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری توجه ویژه ای نمود و این حاصل نخواهد شد جز با مشارکت یک یک مردم ساکن در اجتماعات شهری که آن نیز با یک برنامه ریزی درست و هدفمند قابل گسترش است.

از مهمترین عواملی که باعث گسترش فرهنگ شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری در بین افراد می شود، شهرداریها و احیای شوراهای محله و نهاد شورایی و نیز تقویت رسانه های محلی است. به دلیل اینکه گسترش مراکز فرهنگی - هنری در گام نخست به نیازهای خاص محلات مربوط خواهد شد، تعامل با نهادهای محلی یا نهادهایی که برای محلی فعالیت می کنند از مواردی است که حفظ و جهت دهی آن برای توسعه محله، ارتقای تعاملات فرهنگی و هنری و ایجاد وحدت باید مورد توجه متولیان امر قرار گیرد.

در گام بعدی برای بقای فرهنگ شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری در ایران باید وحدت هدف را برای شهروندان به وجود آورد. این وحدت را باید هم در بعد زندگی مادی و هم معنوی فرهنگ شهروندان ایجاد کرد؛ تحصیل این مسأله در پرتو یک زندگی اجتماعی میسر نیست و قانونگذاری در جامعه از این طریق میسر می گردد و خارج از این هدف، شهروندان جامعه با مشکلات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی که منجر به نابودی جامعه می گردد، روبرو خواهند شد. پس قانون مندی برای بقای فرهنگ شهروندی در جامعه مدنی امری ضروری و انکار ناپذیر است. (تقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

هر پدیده ای در جامعه دارای یک وجه اجتماعی و یک وجه فرهنگی است. زیرا هر جا انسانها، گروه اجتماعی را شکل می دهند در اثر کنش و واکنش و یا تعاملات متقابل وجوه و تمایزات مختلف اجتماعی و فرهنگی خود را نشان می دهند. حال در میان این

اجتماعات انسانی، شهرها را با توجه به تراکم جمعیت آن، سرعت و پویای فعالیت، تقسیم کار و تخصص‌گرایی، می‌توان از دیگر گروهها و اجتماعات متمایز دانست.

در عصر حاضر، شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌دهد؛ بر این اساس « به طور کلی شهروندی یک نوع قرار داد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل " دولت بر مردم و مردم بر دولت " و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است» (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۶۸). در واقع در حوزه فرهنگ شهروندی باید به مجموعه ای از ارزش‌های اجتماعی چون " مساوات طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم سالاری و مسئولیت پذیری مدنی شهروندان" اشاره کنیم، که این پارامترها جزء حقوق فرهنگ شهروندان یک جامعه شهری محسوب می‌شود.

لازمه حل مسائل شهری و بحران‌های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است، که این مقولات جزء پایه‌های اساسی و دائم شهری هستند، و همه اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبات اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل و نقل، کالبد شهر و کاربردهای شهری سعی کنند، تعادل لازم را به وجود آورند؛ پس نکته اساسی که در تبیین بعد فرهنگ شهروندی باید اشاره شود این است که « نمی‌توان شهروندی را صرفاً از منظر حقوقی و قانون یا صرفاً از منظر رابطه شهروند و دولت بررسی کرد، همان‌طور که که فالكس می‌گوید، شهروندی یک مفهوم پویاست که برای تأمین واقعی اش باید به فراسوی دولت بسط یابد و فرهنگ را در بررسی آن مورد توجه قرار داد» (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲).

فرهنگ شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری از بعد جهانی شدن ناشی از پیشرفت و توسعه و بسیط بودن تعاملات افراد با دنیای اجتماعی و از سوی دیگر پذیرش الگوهای غنی فرهنگ شهروندی بر شکل‌گیری جهانی شدن شهروندی است.

ساختار سازمانی و ارگانیک شهر به گونه‌ای است که این تعاملات (رسمی و یا غیر رسمی) بسیار پر حجم، گذرا و ناپایدار باشد و در این میان قانون و هنجارهای رسمی در شکل دهی این مراودات برتر از هنجارهای سنتی عمل می‌کنند. چنین فضای موجب می‌شود تا روابط بین مردم ساکن در شهر در مقایسه با جوامع کوچک روستای از عمق و کیفیت کافی برخوردار نباشد، در نتیجه خلأهای عاطفی و ضعف در هویت جوی افزایش یافته و احساس تعلق اجتماعی کمتر خواهد شد. در چنین شرایطی انسان شهرنشین در تکاپوی رفع نیاز به تعلق اجتماعی و هویت یابی، توسعه روابط اجتماعی را دنبال می‌کند. اما آنچه تلاش او را هدفمند و پربار و یا خنثی و محدود می‌نماید بافت، ساختار، کالبد و نحوه انجام فعالیتها در شهر است (شیخی، ۱۳۷۵: ۴۴).

در پژوهشی که این مقاله براساس آن تدوین یافته، به بررسی توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی شهروندان تهرانی پرداخته می‌شود. از آنجا که شهر تهران یکی از بزرگترین شهرهای ایران است و پیامدهای شهری فراوانی از جمله ترافیک، مصرف انرژی، تراکم جمعیت و .. را به همراه داشته است، بررسی فرهنگ شهروندی در این شهر لازم و ضروری به نظر می‌آید. هدف این پژوهش، شناخت وضعیت فرهنگ شهروندی و توسعه ساختار سازمانی در شهر تهران است.

هدف تحقیق:

- هدف اصلی:

- بررسی فرهنگ شهروندی و توسعه ساختار سازمانی در بین شهروندان تهرانی و

هریک از ابعاد آن

- اهداف فرعی:

- بررسی میزان مسؤلیت پذیری هریک از شهروندان

- بررسی میزان رعایت قانون هریک از شهروندان

- بررسی میزان مشارکت هریک از شهروندان

سؤالات تحقیق.

- مسئولیت پذیری شهروندان تهرانی چقدر است؟
- رعایت قانون شهروندان تهرانی چقدر است؟
- مشارکت شهروندان تهرانی چقدر است؟

ادبیات تحقیق

- فاطمه اسلامیة در تحقیقی با عنوان « رفتار شهروندی سازمانی » (OCB) به نتایج زیر دست یافت که اولین بار توسط « ارگان و همکاران وی » در سال (۱۹۸۳) مطرح گردید. این مفهوم، دربرگیرنده آن دسته از رفتارهایی است که با وجودی که هیچگونه اجباری از سوی سازمان برای انجام آنها وجود ندارد، ولی در سایه انجام آنها توسط کارکنان به طور کاملاً اختیاری، منفعت‌های بسیاری را برای سازمان به وجود می آورد. به طور کلی « رفتار شهروندی سازمانی » عبارت است از رفتارهای کاملاً داوطلبانه و اختیاری که جزء الزامات شغلی رسمی کارمند نبوده، اما با این حال عملکرد مؤثر سازمان را افزایش داده و به کارایی و اثربخشی سازمان کمک می‌کند.

- نتایج تحقیق اصغر شریفی، عبدالرحیم نوه ابراهیم و فاطمه اسلامیة (۱۳۸۷-۸۸) با عنوان بررسی نقش آموزش‌های دانشگاهی در ایجاد و پرورش ویژگی‌های شهروند حرفه‌ای از دیدگاه دانشجویان سال آخر رشته‌های علوم انسانی (مقطع کارشناسی) دانشگاه‌های آزاد اسلامی مستقر در شهر تهران نشان داد که آموزش‌های دانشگاهی نقشی در ایجاد و پرورش ویژگی‌های شهروند حرفه‌ای در دانشجویان نداشته است. همچنین بین نظرات آزمودنی‌ها در مورد نقش آموزش‌های دانشگاهی در ایجاد و پرورش ویژگی‌های شهروند حرفه‌ای از نظر سن و وضعیت تأهل تفاوت معناداری مشاهده نشده است؛ اما بر حسب جنسیت تنها از نظر مؤلفه بهره‌وری تفاوت معناداری بین نمرات مشاهده شده است. همچنین بر حسب نوع دانشکده نیز تفاوت معناداری بین نمرات در مؤلفه‌های تفکر خلاقانه، ارتباطات اجتماعی اثربخش و بهره‌وری مشاهده شده است.

- اصغر شریفی و فاطمه اسلامیه (۱۳۸۹) با موضوعی با عنوان بررسی رابطه بین میزان پایبندی به معنویت و میزان برخورداری از ویژگی‌های شهروندی (قرن ۲۱) در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نتایج زیر دست یافتند که همبستگی مستقیمی بین معنویت و بروز رفتارهای شهروندی دانشجویان در قرن حاضر وجود دارد. همچنین از بین مؤلفه‌های متغیر مستقل تحقیق، به ترتیب سه متغیر پایبندی به انصاف، عمل به هنجارهای دینی و در نهایت پایبندی به اخلاق پیش‌بینی کننده‌های مناسبی برای بروز رفتارهای شهروندی دانشجویان هستند.

- شناخت عوامل رفتار شهروندی سازمانی و بررسی ارتباط آن با عملکرد سازمانی (۱۳۸۸)، به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد شهروندی سازمانی و همچنین بررسی ارتباط بین شاخصهای رفتار شهروندی و عملکرد سازمانی بوده است. در این تحقیق برای شناسایی عوامل مؤثر بر شهروندی سازمانی با کاوش در ادبیات موجود از الگوی به نام البرات مورمن، ارگن، نیهف، اسمیت، وان سکاتر، مارک سی وان، اسمیت... استفاده و شش عامل به عنوان عامل مهم تأثیرگذار بر رفتار مشهور شهروندی سازمانی بین کارکنان و مدیران شناسایی شد که این شش شاخص عبارتند از فداکاری، وظیفه شناسی، وفاداری، توجه، تحمل‌پذیری (جوانمردی). این شش عامل در سازمانهای موجود به آزمون گذاشته شد تا وضعیت آنها از لحاظ میزان رفتار شهروندی و بررسی ارتباط این شاخصها با عملکرد سازمان بررسی گردد.

چارچوب نظری

ابن خلدون

در بین اندیشمندان اسلامی ابن خلدون به شکل‌گیری جامعه شهری توجه بسیاری داشته است، این اندیشمند در قالب "علم عمران" به بررسی وضعیت شکل‌گیری اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه شهری با توجه به موقعیت جغرافیایی، محیطی و عصیبت قومی و... پرداخته است. وی به بررسی علم عمران بر پدیده شهروندی و شکل‌گیری فرهنگی آن

توجه خاصی داشته است و با مطالعه و طرح آسیب‌هایی که انسان در محیط مصنوع خود به نام شهر یا همان حضر ایجاد می‌کند، تا بدان‌جا پیش رفته است که شهر را تکفیر کرده و آن را به عنوان محل فساد و تبهکاری یاد می‌کند. با توجه به این پیامد فرهنگی و اجتماعی، شهروندان و ساکنان شهری فاقد هرگونه ارزش‌های اخلاقی و مدنی می‌گردند (توسلی، ۱۳۷۴: ۱۴۵). وی در مقدمه علم عمران خود به پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی شهروندی اشاره و در نقد ویژگی‌های شهروند اقتصادی به این مسأله توجه می‌کند که :

- افراد جامعه شهری به سمت تجمل‌خواهی و ثروت‌اندوزی سوق یافته‌اند و به سمت معیشت‌های ناپایدار و بی‌بنیه‌گرایش پیدا کرده‌اند. که وی اینگونه معاش‌های شهری را نوعی انگل در نظر گرفته است که به فرهنگ و ساختار اقتصادی زندگی شهروندان آسیب می‌رساند. امروزه این نوع معاش‌ها در جامعه شهری در ردیف مشاغل ناپایدار و یا کاذب جای می‌گیرند که برای زندگی شهروندان و شهر پیامدهای منفی‌ای را به وجود آورده است .

- به دلیل ناپایدار بودن اقتصاد شهری در این نوع ساختار اجتماعی، کارهای دلالتی و سلف‌خوری به وجود می‌آید که نوعی فرهنگ چاپلوسی و دروغ‌پروری را بین شهروندان پرورش داده است .

- اقتصاد شهری به دلیل از بین رفتن عصبیت قومی و رواج ثروت‌اندوزی به سمت تبذیر و اسراف سوق یافته است و همین مسأله در بالا بردن هزینه‌های زندگی بر شهروندان تأثیر گذاشته است .

- جامعه شهری و اقتصاد بیمار آن باعث شده که شهروندان برای دستیابی به پست و مقام، ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ روحیه جمعی را به فراموشی بسپارند و تضاد، تعارض و رقابت را سرلوحه ارتقای درجات شهروندی خود قرار دهند و از دیگران برای منفعت شخصی بهره‌برداری کنند. این پیامد امروزه در قالب رشد فردگرایی و شهروندی

شدن فردی بر پیکره روح جمعی شهر همراه با آسیب اجتماعی در شهرها قابل بررسی است (توسلی، ۱۳۷۴: ۱۴۶).

پیامدهای منفی نشانگر این است که ابن خلدون دارای یک بینش تحول‌گرا و تکامل‌گراست و بر مبنای حرکت تطوری از سادگی به پیچیدگی (بادیه نشینی حضر نشینی) تأکید می‌کند و به بررسی تاریخ و تحولات اجتماعی جامعه شمال آفریقا پرداخته است. بر اساس این بینش از تفکر او این استنباط می‌شود که وی تقویت روح جمعی و عصبيت قومی همانند جامعه ابتدایی و کوچک را برای جامعه و فرهنگ شهروندی (با توجه به آیات و دستورات اسلامی) در درست است (توسلی، ۱۳۷۴: ۱۴۶).

هابز

هابز از نخستین نظریه پردازان سیاسی است که در اندیشه‌های خود به شهروندی اشاره می‌کند و آن را با توجه به فرهنگ یک جامعه در قالب "رابطه فرد و جامعه سیاسی" بررسی می‌کند. اولین وظیفه‌ای که در کتاب لویاتان او مورد تحقیق کنجکاوانه در مورد حقوق دولت‌ها و وظایف اتباعش قرار داده است، این است که دغدغه اصلی جامعه "نظم و امنیت" بوده است و بر حقوق شخص حاکم تمرکز می‌کند، نه افراد.

هابز در بسط نظریه‌های فرهنگ شهروندی و مشارکت شهروندان دیدگاه بدبینانه‌ای، وی ویژگی اساسی حاکم و دولت وقت جامعه را "قدرت مطلقه" دانسته است. بر این اساس باید گفت که اندیشه‌هابز در رشد فرهنگ شهروندی «پل ارتباطی مهمی در تاریخ تکامل فرهنگ شهروندی بود، چرا که بسیاری از ایده‌هایش مستقیماً به مفهوم توسعه یافته‌تری از شهروندی انجامید که در اندیشه لیبرال‌های کلاسیک نظیر جان لاک بروز یافت. سنت لیبرال که به وسیله‌هابز در بعد فرهنگ شهروندی بنا شد از سوی لاک توسعه یافت» (کوشا، ۱۳۸۷: ۱۷).

تی.اچ. مارشال

وی درباره فرهنگ شهروندی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره کرده که این حقوق در طی سه قرن شکل گرفته است:

۱- حقوق مدنی: نخستین حقی است که در جامعه به وجود آمده است، حقوق مدنی عبارت از حقی است که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قرار دادها، آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی نسبت به همه شهروندان از جمله حقوق شهروندی مدنی است. از نظر مارشال در جایی که حقوق مدنی وجود ندارد، امکان آزادی فردی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد.

۲- حقوق سیاسی: عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند. شهروندی سیاسی همچنین این امکان را فراهم می‌کند که هریک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی در مقام رهبری احزاب دولت و یا سایر حلقه‌هایی قدرت را به دست آورند.

۳- حقوق اجتماعی: عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب پذیر را به منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آن‌ها فراهم می‌آورد. به طور معمول حقوق اجتماعی شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد و خانواده‌های بی‌کار می‌شود. حقوق اجتماعی همچنین شامل فراهم آوردن شرایط مساوی بهره‌مندی امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه است، بر این اساس این امید خواهد بود که همگان از حداقل امنیت و امکان برابر فردی در روند رشد اقتصادی بهره‌مند شوند (عاملی، ۱۳۸۰: ۷۳-۱۷۲).

از وجوه اصلی اندیشه مارشال این است که این نظریه نوعی وابستگی متقابل درباره حقوق شهروندی را بیان می‌کند. از نتایج مهم این دیدگاه این است که مشخصه برخوردار

بودن هر شهروند از بنیان‌های فرهنگی شهروندی و بهره مند بودن از این حقوق در آن مطرح شده است.

برایان ترنر

ترنر ابتدا به نقد فرهنگ شهروندی مارشال پرداخته و عقیده دارد که باید در حقوق شهروندی نه تنها به ابعاد "مدنی و سیاسی" شهروندی توجه کرد؛ بلکه ابعاد "اقتصادی و فرهنگی" حقوق شهروندان باید مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس شهروندی اجتماعی و سیاسی با تکیه بر شهروندی فرهنگی و اقتصادی رشد می‌کند، وی معتقد است که مارشال به تفاوت‌های نژادی، زبانی و مذهبی توجه نکرده و تنها به تمایز طبقاتی و ارتباط آن با سه حقوق مطرح شده اشاره می‌کند؛ بر این اساس فرهنگ شهروندی حلقه وصل همه طبقات اجتماعی با تأکید بر ارزش مشترک میان شهروندان شکل می‌گیرد. ترنر، شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی دانسته که به افراد در یک جامعه شهری، هویت رسمی و قانونی داده است و این حقوق و الزامات اجتماعی و قانونی ریشه تاریخی و تکاملی در سیر زندگی اجتماعی انسان دارد و باعث شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و قانونی یک جامعه شهری چون نظام قضایی، پارلمانی و دولت رفاه شده است. ترنر بر مبنای دیدگاه جامعه‌شناسی خود موضوع فرهنگ شهروندی را به نهادهای اجتماعی جامعه معطوف کرده که این نهادهای اجتماعی هرکدام بیان‌کننده نوع خاصی از حقوق شهروندی و الزاماتی است که شهروندان باید نسبت به انجام آن حقوق در یک نظام سیاسی انجام دهند فرهنگ شهروندی را تشریح می‌کند. (عاملی: ۷۵-۱۷۴)

ترنر بر اساس الگوی جامعه‌شناختی خود در حوزه فرهنگ شهروندی و شکل‌گیری آن به ۴ منبع اساسی اشاره می‌کند، این چهار منبع شامل "هویت، حقوق، منابع اقتصادی و فرهنگی- سیاسی جماعت" است. این چهار مؤلفه در فرایند متقابل با فرهنگ شهروندی متعالی همراه است. او بر این عقیده است که شهروندی علاوه بر اینکه فرصت حقوقی فراهم می‌کند، یک نوع هویت فرهنگی خاص را نیز برای فرد و گروه ایجاد می‌کند؛ این

همان مفهوم هویت سیاسی برای شهروندان یک جامعه است.... به عقیده او منظور از منابع اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، بهره مندی هر شهروند از این منابع در جامعه است که باید به نوعی مساوات طلبانه و عدالت گونه توسط نظام حاکم برای هر شهروند تقسیم گردد؛ که این یکی از وظایف دولت و حاکمیت وقت جامعه در برابر شهروندانش است. به اصطلاح هر شهروند دارای حقوقی است؛ حقوق اقتصادی به نیازهای اساسی به غذا و سلامتی که باید نظام اجتماعی تمهیداتی را برای آن فراهم کند مربوط می شود و حقوق فرهنگی به امکان دسترسی همگانی شهروندان به رفاه و آموزش از سوی دولت مربوط می شود و در نهایت حقوق سیاسی به آزادی‌های متعارف و حق بیان شهروندان توجه می کند و مجموعه این حقوق را باید حقوق اجتماعی نامید که از حقوق انسانی متمایز است، حقوق اجتماعی شامل کسانی می شود که عضو دولت و ملت یک جامعه هستند. آخرین عنصر این الگو جماعت سیاسی است که زمینه‌ساز شهروندی در تمام ابعاد است، جماعت می باشد. جماعت از نظر سیاسی به طور مشخص همان دولت و ملت یک جامعه است، وقتی افرادی شهروند یک کشور می شوند، نه تنها ملتزم به رعایت یک سلسله حقوق و الزامات و تعهدات اجتماعی هستند و هویت خاصی را پذیرفته اند و به نوعی در شهر به صورت خوب و متعالی جامعه‌پذیر شده اند، بلکه به جماعت سیاسی خاصی وارد شده اند که دارای قلمرو جغرافیایی تاریخی و سیاسی مشخص می باشند که در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی، گروه‌های اقلیت (اعم از دینی، سیاسی و...) می توان شهروندی سیاسی و فرهنگ آن را بررسی کرد و حقوق و وظایفشان را از این بُعد مورد مطالعه قرار داد.

پارسونز

پارسونز در حوزه شهروندی ابتدا بر حفظ دموکراسی در آمریکا، در زمان جنگ جهانی دوم تأکید داشته است و برای حفظ این الگوی نگهداشت در آمریکا، بر ارزش‌های فرهنگی ریشه دار جامعه و استمرار پیاپی آن در حوزه زندگی اجتماعی تأکید کرده است. به نظر او

مهمترین ارزش‌هایی که باعث تقویت دموکراسی و بسط فرهنگ شهروندی در جامعه می‌گردد، عبارتند از:

الف) برخوردار بودن از روحیه عقلانی، انتقادی در دانش علمی

ب) احترام به قانون که ابزار مناسبی برای جلوگیری از هرگونه افراط و تفریط‌گرایی در رهبری دموکراسی است

ج) بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی در قانون که شهروندان باید این آزادی‌ها را رعایت کنند

د) درک همه جانبه از مفهوم شهروندی. (کیویستو، ۱۳۷۸: ۹۹).

با توجه به این عوامل می‌توان اشاره کرد که پارسونز به پدیده شهروندی و گسترش توسعه فرهنگی آن علاقه‌ای خاص داشته که این پدیده در نوشته‌های او در حوزه قومیت و نژاد آمریکا کاملاً مشهود است.

پارسونز در حوزه فرهنگ شهروندی با تأسی از دیدگاه کارکردگرایی ساختاری که بر تفکر وی حاکم بوده است، این پدیده را به عنوان عنصری اساسی در نظام فرهنگی دانسته که در حفظ و نگهداشت الگوزمان فرهنگی برای جامعه ضروری است. این پدیده در جامعه آمریکایی منجر به بسط الگوی دموکراسی و حفظ آن می‌گردد که این اندیشه بیانگر عمق تفکر محافظه‌کاری وی بوده است و کمترین تمایل به تغییر و دگرگونی درست است از این طریق نشان می‌دهد و به دنبال توازن و تعادل اجتماعی در جامعه آمریکایی از راه توسعه و آموزش الگوهای فرهنگ شهروندی بوده است.

در اندیشه پارسونز از دیدگاه تکامل‌گرایی بسط الگوی فرهنگ شهروندی همراه با توسعه الگوی کثرت‌گرایی در برابر خاص‌گرایی بوده است، که این مسأله بیانگر این است که پارسونز الگوی فرهنگ شهروندی را جزء متغیرهای اکتسابی جوامع توسعه یافته در برابر جوامع سنتی که تمایل به بسط الگوهای انتسابی داشته‌اند دانسته است. بسط اندیشه فرهنگ شهروندی در آمریکا بین تبارها و قومیت‌های جامعه آمریکایی منجر به سوق‌گیری جامعه به سمت همبستگی اجتماعی از نوع نظام ارگانیکی دورکیمی شده است، بر این

اساس به دیدگاه رقابت آمیز و تضادگونه شهروندان آمریکایی چون اندیشه سی رایت میلز اشاره نمی کند و رعایت حقوق و وظایف شهروندی در فرهنگ جامعه آمریکایی را نوعی جبر اجتماعی که خارج از انسان است، بر ای حفظ دموکراسی در آمریکا برای شهروندان لازم و اجرایی دانسته است (گی روشه، ۱۳۷۶: ۳۲-۲۲۹).

پوپر

در نظریه پوپر بر هویت مدنی در قالب مفهوم فرهنگ شهروندی تکیه شده است؛ وی معتقد است که در فرهنگ جامعه دموکراتیک و مدنی شهروند، انسانی آزاد و مختار است که فقط در میان یک جمع زندگی نکرده است، بلکه با آن جمع که خود را شهروند آن فضای حاکم می دانند، یک جامعه را شکل می دهند و به وسیله پیوند با یکدیگر ارتباطات متنوعی دارند.

به نظر او در جامعه ای که شهروندان از تمام حقوق خود محروم باشند، حق نافرمانی از جامعه را پیدا می کنند اما این مسأله به معنای نقض اصول جامعه مدنی نیست. به نظر او در فرهنگ شهروندی از شهرنشینی فاصله گرفته ایم و نوعی احساس را برای شهروندان یک جامعه ایجاد کرده ایم. وی عقیده دارد که مفهوم یا احساس شهروندی خود به خود به واسطه تجمع افراد در کنار یکدیگر ایجاد نمی شود، بلکه باید نهادهای متکفل این احساس را ایجاد کنند، نهادهایی مثل "انتخابات، تأمین اجتماعی، مالیات یا رسانه ها..." می توانند چنین هویتی را ایجاد و همه این نهادها در یک جامعه سنتی یا در حال گذار با چنین هدفی باید هویت ضروری پیدا کنند و برای تحقق این مطلب، مقوله قابل بررسی است:

الف) با توجه به رشد مسائل اجتماعی شهر و انبوه مشکلات شهری، روابط سنتی حاکم بر خویشاوندی به سمت تحلیل رفته و شهروندان را منفعل کرده است. حوزه فرهنگ شهروندی باید تلاش کند، که هرگونه مشارکت در امور اجتماعی و شهری را برای شهروندان فراهم و همچنین پدیده‌هایی مثل کثرت‌گرایی، گسترش ارتباطات، انواع

آموزش‌های علمی - کاربردی، خود آگاهی و تخصص را باید به صورت نوعی عرضه و تقاضا در چارچوب قرار داد برای شهروندان ایجاد کند .

ب) به دلیل اینکه حوزه آموزش و پرورش، خانواده و شعائر به صورت عموم باید فرا گرفته شود و نمی تواند، تغییر شیوه‌های فکری و مواجهه این حوزه‌ها به پرورش جسمانی و سواد آموزی، ارتباطات خویشاوندی و روابطی از نوع اخوت را مورد توجه قرار دهد، باید در حوزه فرهنگ شهروندی موسسات و نهادهایی شکل گیرده روابط اجتماعی نوین شهروندی را کارکرد اصلی خود تلقی کند و به نیازهای جدید شهروندان پاسخ دهد. بدین ترتیب خانه‌های فرهنگ محله، فضاهای فرهنگی شهر، جایگزین نهادهای خانواده، آموزش و پرورش و شعائر در شهر می گردد .

ج) مراکز فرهنگی شهر مناسب‌ترین مؤسسه برای تمرین پذیرش فرهنگ شهروندی و ایجاد هویت و دیانت مدنی است زیرا عضویت شهروندان اختیاری و داوطلبانه است و اجبار درونی و بیرونی وجود ندارد و در این مراکز منافع و علایق فردی باعث شده که شهروندان به این مراکز بپیوندند و حوزه فرهنگ شهروندی خود را تکمیل کنند . همچنین این مراکز در حوزه فرهنگ شهروندی، شهروندان یک جامعه را برای اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری زندگی شهروندی آماده کنند و این فضاها کارکردهای جنسیتی پیدا کرده و به صورت تجمعی از شهروندان با گرایش و فعالیت خاص را به مشارکت اجتماعی مشغول می نماید و تا حدی گامی موثر در ایجاد حساسیت نسبت به مشکلات شهری و اجتماعی و ارائه الگوهای تازه برای حل اختلاف ایجاد و شهروندان را در حیطه جامعه مدنی بر اساس ویژگی‌های جماعتی به فعالیت وادار کرده که این امر کمک شایانی به برخی از کارکردهای دولت چون تقویت هویت شهروندی و ملی می کند و در پایان فضاهای فرهنگی به گسترش بسته فیزیکی و فضای ذهنی آن در بین شهروندان کمک زیادی می کنند. پس تأکید بر فضاهای کالبدی شهر در حوزه فرهنگ شهروندی منجر به پاسخگویی به نیازهای شهروندان، ایجاد پیوندهای همبستگی تازه میان شهروندان در قالب‌های جدید شده که نوعی به بازتولید فضاهای فرهنگی ممکن می گردد، بدین ترتیب احیا و تقویت‌های هویت

شهری، مقدمه ای بر احیا و تقویت هویت مدنی است که باید مورد تأمل در حوزه فرهنگ شهروندی قرار گیرد. (رحیمی، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۸)

با توجه به چنین اندیشه ای، پوپر از بعد برنامه ریزی اجتماعی و فرهنگی، به بسط تقویت فضاهای جامعه مدنی پرداخته است و از این اندیشه این استنباط می شود که مدیریت شهری برای تحکیم و بسط فرهنگ شهروندی در کنار حوزه های آموزشی چون خانواده و آموزش و پرورش، فضاهای اجتماعی و فرهنگی دیگری را در جای جای شهر به وجود آورد و کارکرد اصلی این فضاها در زمینه توسعه و آموزش فرهنگ شهروندی و شهرنشینی قرار دارد و به صورت مستمر و پیاپی شهروندان را با ابعاد مختلف حقوق شهروندی آشنا می کند و ارزش ها و هنجارهای فرهنگی یک شهر را در ذهن شهروندان نهادینه کند.

گیدنز

آنتونی گیدنز^۱ نظریه پرداز اجتماعی برجسته معاصر بر آن است که پدیده های مدرن از جمله پدیده های شهروندی، از یک پیشینه تاریخی بلند مدت و کوتاه مدت برخوردار هستند، از این رو برای بررسی تکوین و توسعه تاریخی، اجتماعی پدیده شهروندی و نیز گسترش مفهومی نظری آن ضروری است که این سیر تاریخی دوگانه (بلند مدت و کوتاه مدت) توأمان و به طور مختصر وارد می شود. پیش از آن لازم است به یک نکته مهم در این باره اشاره شود: این نکته درباره پیوند و ارتباط ناگسستگی و دو سویه میان مفهوم شهروندی و جامعه است. هم مفهوم و هم پدیده شهروندی به سه شکل با جامعه در ارتباط است. به طوری که مشاهده می شود مفهوم و پدیده شهروندی همزمان با جامعه سیاسی (شهروندی در ارتباط با دولت و حکومت در سطوح ملی، محلی و شهری)، جامعه مدنی (شهروندی در ارتباط با حوزه عمومی) و نظام جامعه ای (شهروندی در ارتباط با نظامهای اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، شکل دهنده جامعه) در ارتباط است. بنابراین با توجه به این

اشکال ارتباطی میان شهروندی و جامعه، دو اتفاق در زمینه مفهوم و پدیده شهروندی روی داده است که لازم است بدان توجه شود. اولین اتفاق به گسترش مفهوم نظری و نحوه بازاندیشی مفهوم شهروندی در نظریه سیاسی - اجتماعی و تا اندازه ای نظریه شهری بر می‌گردد، به طوری که مفهوم شهروندی در نظریه سیاسی، اجتماعی در ارتباط با جامعه مدنی، جامعه سیاسی و نظام جامعه ای صورت بندی شده است. پدیده شهروندی بافت جامعه نیز با جامعه مدنی، جامعه سیاسی و نظام جامعه ای به صورت تاریخی توسعه ارتباط یافته است (گیدنز، ۱۳۷۷). به نظر مارشال، (۱۹۶۴) شهروندی پایگاهی است که به تمام افرادی که عضو تمام عیار اجتماع خود هستند داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه حقوق و وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند و حقوق و وظایف شهروندی موجب تثبیت قانون می‌شود.

چارچوب نظری و مدل مفهومی

تئوری‌های فرهنگ شهروندی متکی بر این است که شهروندی یک مفهوم پویاست که ناشی با بسترسازی "اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی، حقوقی و سیاسی" در شهر شکل می‌گیرد. در بین اندیشمندان اسلامی ابن خلدون توجه خاصی به شکل‌گیری جامعه شهری در قالب "علم عمران" داشته است، او با مطالعه آسیب‌هایی که انسان در محیط مصنوع خود به نام شهر یا همان حضر ایجاد می‌کند، تا بدان جا پیش رفته است که شهر را تکفیر کرده است. ابن خلدون در شکل‌گیری توسعه شهری، بیشتر به دیدگاه همبستگی مکانیکی جامعه دورکیمی توجه کرده است که این بینش با ساختار جامعه شهری و شکل‌گیری فرهنگ شهروندی امروزه هیچ‌گونه سنخیتی ندارد.

از سوی دیگرهابز از نخستین نظریه‌پردازان سیاسی که در اندیشه‌های خود به شهروندی اشاره و آن را با توجه به فرهنگ یک جامعه در قالب "رابطه فرد و جامعه سیاسی" بررسی می‌کند، در بسط نظریه‌های فرهنگ شهروندی و مشارکت شهروندان در امور جامعه مدنی دیدگاه بدبینانه‌ای داشته است.

به نظر جان لاک « در فرهنگ شهروندی باید یک دسته از سبک‌ها و فنون مانند مشورت، معامله، دیپلماسی و تقسیم قدرت را که می‌توان از طریق آنها بدون خشونت به اداره امور پرداخت، به شهروندی توجه کرد. فرهنگ شهروندی برای دستیابی به این هدف امری حیاتی است. در فرهنگ شهروندی با طرح این تقاضا که باید با همه افراد به طور برابر رفتار شود، می‌توان ریشه تنش‌های اجتماعی را که نظم اجتماعی را تهدید می‌کند، خشکاند. پس در فرهنگ شهروندی، شهروند به مدد مجموعه‌ای از حقوق و وظایف و تعهداتش، راهی را برای توزیع عادلانه منابع از راه تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند. (کوشا، ۱۳۸۷: ۱۷) در اندیشه مارشال در حوزه فرهنگ شهروندی به سه نوع حقوق (مدنی، سیاسی، اجتماعی) اشاره شده که این حقوق در طی سه قرن شکل گرفته است. از نتایج مهم این دیدگاه این است که مشخصه برخوردار بودن هر شهروند از بنیان‌های فرهنگی شهروندی و بهره‌مند بودن از این حقوق در آن بیان شده است.

در اندیشه بریان ترنر فرهنگ شهروندی حلقه وصل همه طبقات اجتماعی با تأکید بر ارزش مشترک میان شهروندان است. ترنر در حوزه فرهنگ شهروندی و شکل‌گیری آن به ۴ منبع اساسی اشاره می‌کند، این چهار منبع شامل " هویت، حقوق، منابع اقتصادی و فرهنگی، سیاسی و جماعت " است. در مجموع باید در اندیشه ترنر در حوزه فرهنگ شهروندی به این نتیجه رسید که شهروندی در قالب فرایند مدرنیزاسیون سیاسی و اجتماعی در جوامع غربی دارای اشکال متفاوت و متنوع است، و سیر شتابانی داشته است. در اندیشه پارسونز در حوزه شهروندی ابتدا بر حفظ دموکراسی در آمریکا و ارزش‌های فرهنگی ریشه‌دار جامعه و استمرار پیاپی آن در حوزه زندگی اجتماعی تأکید شده است. بر این اساس در اندیشه پارسونز شهروندی و اهمیت آن در فرهنگ، ناشی از این واقعیت است که در جوامع دموکراتیک باید فرهنگ شهروندی به معیار اصلی همبستگی و انسجام ملی تبدیل گردد و آنچه برای جامعه آمریکا در عصر حاضر مهم است، همبستگی ملی تام تمام

نژادها، قومیت‌ها و تبارهای آمریکایی است که همگی در جامعه عضویت دارند و این مسأله بیانگر ویژگی کثرت‌گرایی جامعه آمریکایی است.

در اندیشه پوپر بر هویت مدنی در قالب مفهوم فرهنگ شهروندی تکیه شده، وی معتقد است که در فرهنگ جامعه دموکراتیک و مدنی شهروند انسانی آزاد و مختار است، که فقط در میان یک جمع زندگی نکرده است، بلکه با آن جمع که خود را شهروند آن فضای حاکم می‌شد، یک جامعه را شکل می‌دهند و به وسیله پیوند با یکدیگر ارتباطات متنوعی دارند. وی عقیده دارد که مفهوم یا احساس شهروندی با مشارکت نهادهایی مثل "انتخابات، تأمین اجتماعی، مالیات یا رسانه‌ها" می‌تواند هویت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داشته باشد. شهروندی و فرهنگ آن دارای هویتی پویاست؛ در شکل‌گیری هویت فرهنگ شهروندی یک دسته از نهادهای اجتماعی چون "رسانه‌ها و مطبوعات، تأمین اجتماعی، انتخابات، انجمن‌های داوطلبانه مردمی در سطح ملی، منطقه ای و محلی، مدیریت شهری، آموزش و پرورش، نهادهای فرهنگی، سازمان‌های جامعه (با توجه به کارکردهایشان)، مراکز و مؤسسات دینی، احزاب سیاسی و..." اثرگذارند. در شکل‌گیری این هویت، شهروندان تفاوت‌ها و تنوع‌های نگرش فرهنگی را از راه آموزش مستمر می‌پذیرند و به حقوق دیگران احترام می‌گذارند و آن را وظیفه خود نسبت به دیگران قلمداد می‌کنند و به منافع و علایق دیگران احترام گذاشته و آن را مورد توجه قرار می‌دهند. شهروندی فرهنگی این است که در درجه اول حضور مستمر شهروندانی را که با او متمایز هستند، در یک مجموعه شهری بپذیرد و با حقوق و تکالیف خود نسبت به دیگر شهروندان جامعه آشنا شود و برای کسب آن مبارزه کند. در درجه دوم شهروندان باید از قواعد اجتماعی پیروی کنند. و منافع جمعی را بر منافع و علایق فردی ترجیح دهند. به این ترتیب هویت فرهنگی شهروندان به عنوان نوعی هویت اکتسابی در تعامل متقابل بین شهروندان و سازمان‌های رسمی شهر و نهادهای مدنی و داوطلبانه شکل می‌گیرد. در فرهنگ ایرانی شهروندی با نوعی مالکیت ارزشی همراه است :

- اول: اینکه شهروند به این معنا است که مردم متعلق به آن شهر هستند و شهر تنها به مدیران و مسئولان اجرایی آن شهر تعلق ندارد و باید از فرهنگ آن شهر تبعیت کنند .
- دوم: مالکیت شهری یا همان شهروند بودن شخص ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن شهر تحقق می‌یابد .

- سوم: اینکه مالکیت برای شهروندان یک جامعه شهری این حق را ایجاد می‌کند که شهروندان حق دارند که مطابق قراردادی که با یکدیگر دارند، برای امور شهری خویش دخالت و تصمیم‌گیری نمایند. در واقع غنای فرهنگ ایرانی واژه اهل " حاکی از سنخیت (هویت) شهروند با محل فرهنگ زندگی اش دارد. برای شهروندان ایرانی ابزارهایی چون "تاریخ، فرهنگ، زبان، آرمان‌های مشترک و روابط اعضای آن شهر،" قانونمندی خاصی را نیز بر زندگی فرهنگی آن در شهر حاکم کرده است. واژه " ساکن " نیز حکایت از روابط روانی شهروندان با محل زندگی خویش و نقش آنان دارد. این اصطلاح و هم خوانواده‌های آن، در فرهنگ شهروندی به بعد مادی و معنوی زندگی شهری اشاره می‌کند. در فرهنگ شهروندی ایران این واژه‌ها به کالبد شهر، محیط زندگی، روح و فضای شهری و... اشاره می‌کند. امروزه در ایران پدیده فرهنگ شهروندی در مطالعات علمی متأثر از جامعه مدنی (غرب) است و ما در تکامل فرهنگ شهروندی خود باید مبانی و معیارهای الگوی "ملی، منطقه‌ای و محلی" را تدوین کنیم و در عین هویت ملی داشتن از تجارب دیگر جوامع با استفاده درست و منطقی از آن برای توسعه همه جانبه حرکت کنیم و یک دسته راهکارها را برای گسترش فرهنگ شهروندی در جامعه اجرا کنیم.

در الگوی نظری از نظریه نظام جامعه‌ای پارسونز و پوپر استفاده کرده ایم. چگونگی ارتباط و پیوند دو سویه میان نظام جامعه‌ای و حقوق و وظایف شهروندی در الگوی نظری آمده است، رابطه بین نظام جامعه‌ای و حقوق و وظایف شهروندان دوسویه است و بین آنها ارتباط متقابلی وجود دارد. در این الگو تأکید اصلی بر نقش حقوق شهروندی و وظایف شهروندی است که از مؤلفه‌های کلیدی در تعریف مفهوم شهروندی و نیز تکوین تاریخ شهروندی در جامعه مدرن است.

در نظریه پوپر روابط سنتی حاکم بر خویشاوندی به سمت تحلیل رفته و شهروندان را منفعل کرده است. در حوزه فرهنگ شهروندی باید تلاش کرد، که هرگونه مشارکت در امور اجتماعی و شهری را برای شهروندان فراهم کرد و همچنین این حوزه باید پدیده‌هایی مثل کثرت گرایی، گسترش ارتباطات، انواع آموزش‌های علمی - کاربردی، خودآگاهی و تخصص را به صورت نوعی عرضه و تقاضا در چارچوب قرار داد برای شهروندان ایجاد نماید (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۸-۹۲).

جامعه حقوق و وظایف شهروندی

تأمین منابع مورد نیاز شهروندی ←	شهروندی →
تأمین منابع سرمایه ای ←	مشارکت شهروندی →
آموزش فرهنگ شهروندی →	قانون‌مند کردن حقوق و وظایف شهروندی ←
بازتولید مستمر الگوهای فرهنگ → شهروندی	تمکین حقوق مدنی از قانون ←

(منبع: نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۲۸)

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک تحقیق میدانی از انواع تحقیقات پیمایشی^۱ است که با بررسی مجموعه‌ها و افراد گوناگون موجود به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده است. همچنین یک تحقیق توصیفی است که به توصیف ویژگیهای افراد مورد مطالعه جامعه آماری و بررسی میزان فرهنگ شهروندی و ابعاد مختلف آن در بین آنها نیز پرداخته شده است. جامعه آماری مطالعه حاضر، افراد ۱۵ سال و بالاتر ساکن در منطقه ۶ شهر تهران که به صورت تصادفی از

بین مناطق انتخاب شده است در زمان مطالعه هستند و چون اطلاعات دقیقی نسبت به تعداد این افراد در دست نیست، با مراجعه به آخرین آمار مربوط به سرشماری‌ها که مربوط به سال ۱۳۸۵ است، مبادرت به استخراج آنها شد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ که در آمارنامه استان تهران ثبت شده است، مجموع مردان و زنان بالای ۱۵ سال منطقه ۶ شهر تهران ۹۴۵۸۶۴ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷: ۹۹). با توجه به اینکه حجم نهایی نمونه تحقیق مصالحه و توازنی بین هزینه، دقت و تضمین برخوردار از تعداد کافی برای تحلیل معنا دار خرده گروهها است حجم نمونه مورد انتخاب ۱۵۰ نفر انتخاب گردید. (دواس^۱، ۱۳۷۶: ۸۸). روش نمونه‌گیری درانتخاب افراد مراجعه کننده در این تحقیق سهمیه ای است . سهمیه‌ها بر اساس سه متغیر جنس، سن و محل سکونت افراد تعیین شده است که پس از تعیین سهمیه‌ها در تابستان ۱۳۹۰ مبادرت به جمع آوری اطلاعات از جمعیت نمونه شده است .ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. پرسشنامه این تحقیق دارای اعتبار محتواس^۲ که مبتنی بر نظر کارشناسان و برای سنجش پایایی^۳ آن از روش بازآزمای^۴ استفاده شده است. در این روش به فاصله یک ماه، تکمیل پرسشنامه بین تعدادی از پاسخگویان غیر از جمعیت نمونه تحقیق دوباره تکرار شد و ضریب همبستگی تعیین شد که می تواند از پایایی قابل قبولی ۰/۷۹ برخوردار باشد. از روشهای آماری سطح توصیفی مانند شاخصهای مرکزی و همچنین جداول فراوانی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

در این تحقیق بر اساس اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌ها، ۴۸٪ پاسخگویان زن و ۵۲٪ مرد هستند که در جداول زیر چگونگی توزیع و تفکیک آنها بر اساس متغیرهای زمینه ای ذکر شده است.

1 Devaus

2 Content validity

3 Reliability

4 Re-test method

همانگونه که در جدول شماره یک قابل مشاهده است، بیش از ۶۸٪ پاسخگویان بین ۱۵ تا ۳۵ سال هستند و حدود ۳۲٪ بقیه بین ۳۶ تا ۶۴ سال دارند که با توجه به جوان بودن جمعیت ایران، امری طبیعی است. میانگین سنی پاسخگویان ۳۰-۲۹ سال است.

جدول شماره (۱) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

افراد		رده سنی
درصد فراوانی	فراوانی	
۳۸	۵۷	۲۴-۱۵
۳۰/۷	۴۶	۳۵-۲۵
۲۰/۷	۳۱	۴۶-۳۶
۹/۳	۱۴	۵۷-۴۷
۱/۳	۲	۶۴-۵۸
۱۰۰	۱۵۰	کل

بر اساس اطلاعات جدول شماره دو، ۳۹/۳ درصد پاسخگویان دارای دیپلم و کمترین آنها ۱۳ درصد بیسواد و یا دارای مدرک دکترا هستند. حدود ۶۳ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم دارند و ۳۰ درصد آنها دارای مدرک فوق دیپلم و دکترا هستند.

جدول شماره (۲) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

افراد		تحصیلات
درصد فراوانی	فراوانی	
۱/۳	۲	بیسواد
۴	۶	ابتدایی
۱۸	۲۷	راهنمایی
۳۹/۳	۵۹	دیپلم
۷/۳	۱۱	فوق دیپلم

۱۸/۷	۲۸	لیسانس
۲/۷	۴	فوق لیسانس
۱/۳	۲	دکترا
۷/۳	۱۱	بی جواب
۱۰۰	۱۵۰	کل

همانگونه که در جدول شماره سه قابل مشاهده است، بیشترین پاسخگویان ۲۴/۷ درصد شغل آزاد داشته و کمترین آنها ۲ درصد معلم هستند. به همین ترتیب ۱۷/۳ درصد کارمند و ۱۶/۷ درصد خانم‌های خانه دار و ۱۶/۷ درصد دانشجو هستند. از بین پاسخگویان ۸/۷ درصد بیکار بوده و ۴ درصد دارای مشاغل غیر از آنچه در جدول آمده است، هستند. ضمناً ۱۰ درصد پاسخگویان شغل خود را ابراز نکرده‌اند.

جدول شماره (۳) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل

افراد		شغل
درصد فراوانی	فراوانی	
۱۷/۳	۲۶	کارمند
۱۶/۷	۲۵	خانه دار
۲۴/۷	۳۷	آزاد
۱۶/۷	۲۵	دانشجو
۲	۳	معلم
۸/۷	۱۳	بیکار
۴	۶	سایر
۱۰	۱۵	بی جواب
۱۰۰	۱۵۰	کل

ابعاد شهروندی

در این پژوهش همانگونه که در مباحث نظری بیان شد برای شهروندی سه بعد؛ مشارکت جوی، مسؤولیت پذیری و رعایت قوانین، با وزن‌های مساوی در نظر گرفته شده که برای هر قسمت سؤال و گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت طرح گردید و پاسخگویان به هر کدام پاسخ داده اند. در این قسمت پس از استخراج پرسشنامه‌ها و تعیین میزان هر کدام از ابعاد شهروندی در پاسخگویان، میزان شهروندی و در واقع رعایت فرهنگ و هنجارهای شهروندی در افراد جمعیت نمونه تحقیق بررسی و طبقه بندی گردید که بالا رفتن میزان شهروندی منجر به توسعه بیشتر ساختار سازمانی شهری می‌شود که نتایج را در جداول زیر مشاهده کنید.

مشارکت جویی

آنچه از جدول شماره چهار به دست می‌آید آن است که بیشتر پاسخگویان (۳۹/۳)، درصد به میزان متوسط در امور اجتماعی مشارکت می‌کنند و احساس مشارکت جوی دارند. همچنین کمترین پاسخگویان (۳/۳ درصد) دارای کمترین میزان مشارکت در مسائل اجتماعی بوده که این میزان بین ۱۵ تا ۲۲ درصد است لازم به ذکر است انواع مشارکت‌هایی که در قالب گویه مورد بررسی قرار گرفتند عبارتند از: مشارکت در امور عمومی و خدماتی شهر و مشارکت در حل مشکلات محله و شهر و انتقاد از مسئولان شهری و همچنین مشارکت در جلسات اولیا و مربیان و کمک مالی و فکری به این انجمن‌ها و بالاخره مشارکت در انتخابات و پرس و جو درباره کاندیداها و فعالیت‌های انتخاباتی و حضور فعال در جلسات انتخاباتی. بنابراین پاسخگویان مورد بررسی در این پژوهش اصلی‌ترین بعد فرهنگ شهروندی را در حد متوسط رعایت نموده اند که این مطلوب نیست. این عدم مشارکت از نظر تئوریک می‌تواند به دلیل بی‌اعتمادی اجتماعی و یا بی‌تفاوتی اجتماعی و یا عدم فرهنگ مشارکت و یا عوامل دیگر باشد که خود تحقیقی مستقل نیاز دارد (با توجه به اینکه برای سنجش حس مشارکت جوی در پاسخگویان از یازده گویه در قالب طیف لیکرت

استفاده شده است، کمترین نمره ممکن برای پاسخگویان ۱۱ و بیشترین آن ۵۵ است که پس از استخراج نمرات پاسخگویان، به پنج طبقه دسته بندی شده است).

جدول شماره (۴) تفکیک پاسخگویان بر اساس میزان مشارکت

میزان مشارکت	فراوانی	درصد فراوانی
۲۲-۱۵	۵	۳/۳
۳۰-۲۳	۲۵	۱۶/۷
۳۸-۳۱	۵۹	۳۹/۳
۴۶-۳۹	۴۶	۳۰/۷
۵۳-۴۷	۱۵	۱۰
کل	۱۵۰	۱۰۰

رعایت قانون یکی دیگر از ابعاد شهروندی که در این پژوهش انتخاب شده است، رعایت قوانین در جامعه با مؤلفه‌های رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، قوانین محل کار، مقررات اجتماعی، رعایت حقوق همسایگان و شهروندان و اعضای خانواده ... توسط پاسخگویان است. همانگونه که در جدول شماره شش مشاهده می شود بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۴ درصد) در حد متوسط و کمتر از آن به رعایت قانون مبادرت می کنند که از بین آنها بیشترین پاسخگویان (۳۸/۷ درصد) نمره ای بین ۲۸ - ۳۳ کسب نموده اند که در حد متوسط است. همچنین کمترین فراوانی مربوط به محدوده ۱۶ تا ۲۱ که کمترین میزان رعایت قانون است، باشد. با توجه به فرهنگ قانون‌گریزی در جامعه ایران که در بستر تاریخی فرهنگی ایران شکل گرفته است، این میزان رعایت قانون که توسط پاسخگویان ابراز شده است امری طبیعی می نماید.

جدول شماره (۵) تفکیک پاسخگویان بر اساس میزان رعایت قانون

میزان رعایت قانون	فراوانی	درصد فراوانی
۲۱-۱۶	۲	۱/۳
۲۷-۲۲	۲۱	۱۴
۲۸-۳۳	۵۸	۳۸/۷
۳۹-۳۴	۵۱	۳۴
۴۰-۴۵	۱۸	۱۲
کل	۱۵۰	۱۰۰

مسئولیت پذیری

در این تحقیق مسئولیت‌پذیری با مؤلفه‌های مسئولیت در مقابل مشکلات خانواده و محله و اجتماع، عدم بی‌تفاوتی، مسئولیت در مقابل رفتار اعضای خانواده و همسهریان و دوستان و خویشاوندان و مسئولیت در مقابل رفتار زمامداران حکومت و .. بعد سوم شهروندی است پس استخراج نمره پاسخگویان از هرگویه و تعیین شاخص مسئولیت‌پذیری و میزان مسئولیت‌پذیری پاسخگویان به صورت جدول شماره هفت دسته بندی شده است . بر اساس داده‌های بالا، میزان مسئولیت‌پذیری بیشتر پاسخگویان (۴۲ درصد) بین ۶ تا ۸ است که معادل، حدوداً مسئولیت‌پذیر می‌باشد. در واقع مسئولیت‌پذیری پاسخگویان نسبت به مسائل اجتماعی گوناگون در حد مطلوب نبوده و در حد متوسط است. ۸ درصد از پاسخگویان کمترین میزان مسئولیت‌پذیری را در جامعه داشته و ۲۴ درصد از آنها بیشترین میزان مسئولیت‌پذیری را داشته‌اند.

جدول شماره (۶) تفکیک پاسخگویان بر اساس میزان مسؤلیت پذیری

میزان مسؤلیت پذیری	فراوانی	درصد فراوانی
۵-۳	۱۲	۸
۸-۶	۶۳	۴۲
۱۱-۹	۳۹	۲۶
۱۵-۱۲	۳۶	۲۴
کل	۱۵۰	۱۰۰

شاخص شهروندی

پس از تعیین ابعاد سه گان Z شهروندی و سنجش آن در بین پاسخگویان، شاخص شهروندی از ترکیب سه متغیر قبل (ابعاد شهروندی) به دست آمده و میزان آن در هرکدام از پاسخگویان مورد ارزیابی و در پایان، میزان پایبندی پاسخگویان به هنجارها و اصول شهروندی و طبقه بندی آنها صورت گرفت. آنچه از جدول شماره هفت قابل مشاهده است بیانگر آن است که اگر میزان شهروندی پاسخگویان را به پنج طبقه تقسیم کنیم بیشتر پاسخگویان (۳۷/۳ درصد) با کسب امتیازی بین ۸۱ تا ۹۱ دارای میزان شهروندی در حد متوسط هستند. به عبارت دیگر، پایبندی اکثر پاسخگویان به اصول شهروندی در حد متوسط است.

جدول شماره (۷) تفکیک پاسخگویان بر اساس میزان شهروندی

میزان شهروندی	فراوانی	درصد فراوانی
۶۹-۵۹	۸	۵/۳
۸۰-۷۰	۱۹	۱۲/۷
۹۱-۸۱	۵۶	۳۷/۳
۱۰۲-۹۲	۵۱	۳۴
۱۱۵-۱۰۳	۱۶	۱۰/۷
کل	۱۵۰	۱۰۰

رابطه میزان شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری

به نظر می رسد بین میزان ابعاد سه گانه شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری رابطه‌ای وجود دارد.

متغیرهای مستقلی که رابطه آنها با توسعه ساختار سازمانی شهری در نظر گرفته شد " مشارکت جوی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین " است. میزان همبستگی این دو متغیر $r = 0/56$ است که نتایج حاصله نشان می دهد با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از سطح خطاست پس فرض صفر رد می شود. به عبارتی دیگر در سطح اطمینان ۹۵٪، می توان گفت که داده‌های نمونه دلالت کافی برای تأیید فرض صفر را ندارد و بنابراین با ۹۵٪ در صد اطمینان می توان گفت بین متغیر میزان ابعاد سه گانه شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری رابطه‌ای وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه فرهنگ شهر و شهروندی از ضروریات اساسی افزایش و گسترش سرمایه اجتماعی در هر جامعه است، آگاهی از میزان و کیفیت آن در زمان‌های مختلف، لازمه توسعه همه جانبه جوامع است. نتایج تجربی این تحقیق نشان می دهد که شهروندان تهرانی در ابعاد سه گانه شهروندی یعنی مشارکت جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت پابندی به اصول شهروندی در حد متوسط هستند.

در واقع مطلوب نبودن میزان مشارکت جویی شهروندان در امور مختلف مدنی، سیاسی و اجتماعی را می توان در نتیجه بی اعتمادی اجتماعی و یا بی تفاوتی اجتماعی آنها و یا عدم فرهنگ مشارکت دانست. آموزش و آگاهی بخشی به شهروندان همانگونه که در دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای مختلف تأکید شده است، عنصر کلیدی و اساسی در بالا بردن میزان مشارکت جویی شهروندان است که نقطه شروع آن را باید در آموزش و پرورش و تقویت کارکردهای آن جستجو نمود.

اما عدم رعایت قوانین در حد مطلوب در بین شهروندان که از ابعاد دیگر شهروندی است را باید در قانون‌گریزی جامعه ایران که در بستر تاریخی - فرهنگی ایران شکل گرفته است دنبال نمود. همچنین عدم شفافیت قوانین و امکان تفسیرهای گوناگون از قوانین و وجود انواع فساد اداری از عوامل جدی پایین بودن این بعد شهروندی است. مسئولیت‌پذیری شهروندان در زمینه‌های گوناگون و در قالب نقش‌های اجتماعی مختلف نیز از ابعادی است که در دیدگاه‌ها و مدل‌های مختلف شهروندی به ویژه در مدل پارسونز بدان توجه شده است. یکی از عوامل اساسی در پایین بودن میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان را باید در عدم وجود یک سیستم کنترل اجتماعی دقیق و نبود یک سیستم پاداش و تنبیه مناسب جستجو نمود.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان اذعان نمود که نهادینه کردن و توسعه فرهنگ شهروندی در جامعه ایران با توجه به پتانسیل‌های موجود و ساختار در حال گذار آن، از رهیافت آموزش با شیوه‌های مختلف قابل دستیافتنی است. از طرف دیگر هنگامی افراد جامعه، فرهنگ شهروندی را درونی می‌نمایند که نسبت به محاسن و منافع آن آگاهی یابند و آنها را از نزدیک لمس کرده باشند. در این صورت است که حاضرند بسیاری از خواسته و آزادیهای خود را محدود نمایند تا دیگر شهروندان به راحتی زندگی کنند: بنابراین تقویت دیگرخواهی و آموزش آن، پیوندی ناگسستنی با فرهنگ شهروندی خواهد داشت. عدم رعایت قانون، عدم حس مسئولیت‌پذیری و نبود فرهنگ مشارکت در زندگی شهری، از موانع عمده فرهنگ شهروندی است و تا شهروندان نگرش مثبتی نسبت به آنها پیدا نکنند همواره آن را در دیگران می‌جویند و از دیگران طلب می‌کنند.

البته وجود نگرش منفی به این ابعاد سه‌گانه، ریشه در گذشته تاریخی فرهنگی جامعه ایران دارد. در قانون اساسی ایران وجود حقوق سیاسی، اجتماعی، حقوق اقتصادی و رفاهی، حقوق قضایی و حقوق فرهنگی در اصول مختلف آن بسیار به چشم می‌خورد، اما ایستارهای جامعه ایرانی مانع از نهادینه کردن و عمل به آنهاست. بنابراین تغییر نگرش جامعه از راه آموزش آنها امری اجتناب‌ناپذیر است. تنها نکته‌ای که باید در کنار آموزش‌های

آگاهانه کلاسیک بدان توجه نمود، آن است که هنگامی آموزش مؤثر است که متولیان و آموزش دهندگان و بطور کلی کارگزاران جامعه خودشان پایبند و عامل به آن باشند: در غیر اینصورت کمترین اثر را خواهد داشت و با توجه به نتایج دیدیم که فرهنگ شهروندی به توسعه ساختار سازمانی شهری منجر می شود و این دو مفهوم با هم ارتباط دارند.

منابع

- ۱- تقی زاده، محمد، (۱۳۸۴)، نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی، تهران، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۸۳.
- ۲- توسلی، غلام عباس، (۱۳۷۴)، جامعه شناسی شهری، تهران، انتشارات پیام نور.
- ۳- پیران، پرویز. (۱۳۸۰). مقدمه تشریحی، تحقیق پایه ای منشور شهر تهران، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۴- جهانگیری، رضا (۱۳۸۱). شهر نشینی و شهروندی، چکیده مقالات همایش راهکارهای توسعه فرهنگ شهروندی، انتشارات محبان.
- ۵- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- ۶- ذکائی، محمد سعید. (۱۳۸۰). اخلاق شهروندی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: مؤسسه نشر کلمه، شماره ۵.
- ۷- رابرتسون، رابرت، (۱۳۸۲). جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
- ۸- رحیمی، محبوبه، (۱۳۸۶). بررسی میزان درک از شهروندی در بین دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد.
- ۹- ریشه، گی، (۱۳۷۶). جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران انتشارات تبیان.
- ۱۰- شیخی، محمد علی. (۱۳۷۵)، توسعه فرهنگی پیش نیاز قانون پذیری جامعه، دانشگاه الزهرا.

- ۱۱- فاضلی، نعمت. (۱۳۸۶). شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی، سایت www.farhangshenasi.com/articel
- ۱۲- قنبری، محبعلی. (۱۳۷۵)، عوامل عدم پذیرش قانون و راهکارهای قانونمند شدن جامعه، نشر فرهنگ، تهران.
- ۱۳- کوشا، محمد مهدی، (۱۳۸۷)، دانستنی‌های سیاست شهروندی، تهران، انتشارات دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
- ۱۴- کیویستو، پیتر، (۱۳۸۷). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- ۱۵- کوشا، محمد مهدی، (۱۳۸۷).، دانستنی‌های سیاست شهروندی، تهران، انتشارات دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
- ۱۶- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- ۱۷- عاملی، سعید رضا، ۱۳۸۰، تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، نامه علوم اجتماعی، پائیز و زمستان، شماره ۱۸، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۸- علیمردانی، مسعود. (۱۳۸۶). ابن خلدون و اخلاق شهرنشینی، سایت www.porsojoo.com
- ۱۹- نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۰) بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران، انتشارات سازمان شهرداری کشور.